

شبهه به خالهای مردم سنک پارانی کرده و سنگهایی به خانه ها میبراند که هر يك پوزن ۵-۶ من است : شخص كم عقیده میخواسته که از این قضیه آگاهی یابد لذا هر کین نشسته که در موقع سنک برای جن را بگیرد .

اتفاقاً جن خواسته که شروع بمایات نماید مره که بطرف جن حمله میکند جن هم بعد از قدری کشمکش ناچار فرقه کشیده و حریف را زخمی کرده و فرار میکند (گویا این جن از الواط اجنه باشد) خوشبختی صاحب خانه اینجا بوده که حمل اسلحه قدغن است و الا جن ناخاف شاول میکشید!

**(یست شهری)**

بامضای بی زبان — این امضاء در واقع برازنده آن وجود است . چون اگر شما زبان داشتید حرکات خلاف نزاکت نظامی را (در صورت صحت) که در پای قوتقای شهر بعمل آورده است . لازم بود با اقامه دلائل و اثبات مدعا بمقام فرماندهی و ارکان و قاعه یکی و کمسری محل و نظایه مرکزی متوجه میداشتید نه اینکه از زیر عبا .

غرض ما از کشف نوشته شما هم فهماندن مقاصد اولیای امور بفرد فرد جاحث است که بی زبان نشده و همه وقت میتوانند با کمال اطمینان شکایات و اظهارات خود را اعم از هر طبقه و مقام باشد بمقامات لازمه برسانند و در نتیجه همین بی زبانی هر بدی که بما میرسد از ما است که بر ما است

**اعلان**

جلد دوم اسوار الحکمه تالیف آقای دکتر میرزا علی نقی خان افتخار الملک که فوائد علمی و عملی آن بمالم طب ایرانی مستغنی از تعریف است و در اسلامبول با کمال نفاست بطبع رسیده این ایام وارد تبریز شده و در کتابخانه «سروش» (بازار شیشه گرخانه) جلدین اول و

ثانی دوره بقیت ۲ تومان بفروش میرسد طالبین از داخل شهر و از خارج به کتابخانه مزبور رجوع فرمایند و اگر تک جلد طالب باشد هر جلد تنها ۱۲ قران است حسین سروش

**- اسم و سبج -**

(لقب مشیر حضور) غلام علی رجائی

**اعلان**

دو باب خانه و باغچه اندرونی و بیرونی تازه ساخت مرغوب تبریز . اندرونی دارای ۶ پروانی ۳ اطاق نشیمنی و دو دست آب انبار حوض و غیره واقع در عمه لیل آباد کوچه حاجی غفار بقیمت عادلانه بفروش میرسد و نصف قیمت خانه باغچه را بطور رهن بی مزایه و بدون وجه اجاره به اجاره داده می شود طالبین و مشتریان محترم بدقتن خریدند کرامی نامه فریاد آذربایجان و تبریز و عنكبوت و گومسیون سستم س . اصلان اوف در سرای ایبر و نمازگاه آقا صادق علی زاده در روبروی حمام مستشار لیل آباد و باه خود اینجانب مراجعه فرمایند .

مستخدم نظمی : سلطان شمس الدین حق

**نام فاملی**

( احمدی ) نام خانواده بنده است که در سال ۱۳۰۲ شمسی تصویب جناب آقای میرزا مهدی خان احمدی منشی بانک شاهی تبریز اخوی معظم اینجانب در دفتر سبج احوال ناحیه (۴) سنکلیج (طهران) خیابان فرمانفرما دو تحت امره ۳۱۳۴۶ ثبت شده است بموجب همین اعلان باقایان حسین خان معمارزاده و به اشخص که مستخدم اداره بلدییه است و خود را احمدی معرفی می نماید محترماً اخطار می شود اسم دیگری برای خودشان انتخاب نمایند حق تقدم با امضای خانواده اینجانب است که در ادارات دولتی ضبط است کارگذار مرند محمد احمدی

تبریز مطبعه امهد

۲۱ شهریور ماه ۱۳۰۴

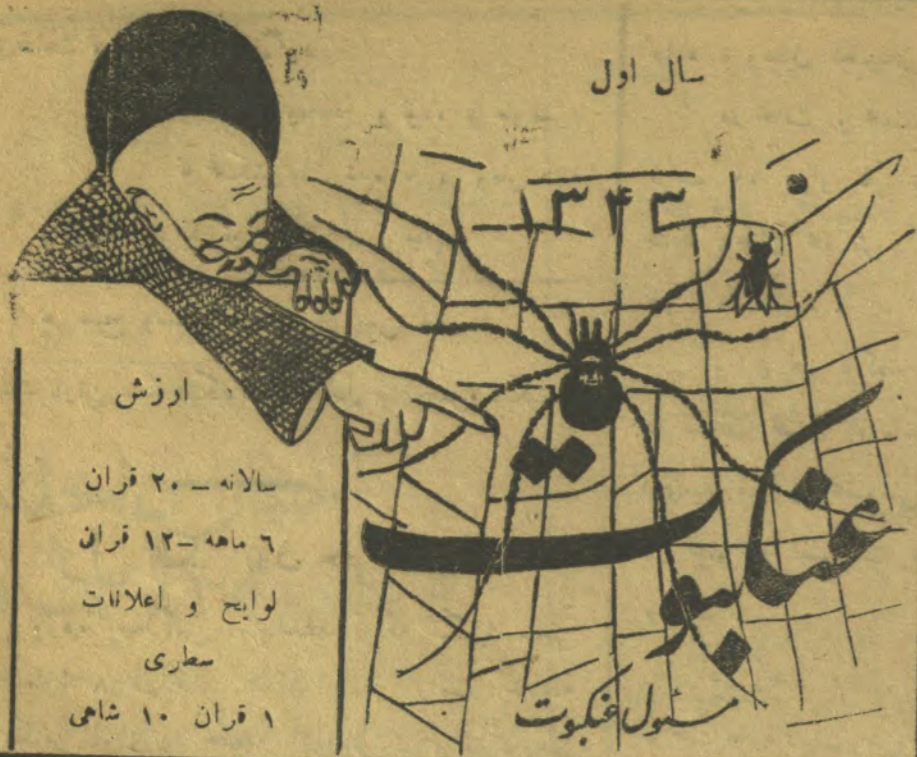
عنوان : عنكبوت

جای لانه

تبریز : مهادهین

صاحب و نگارنده

باقر نفاق



ارزش

سالانه - ۲۰ قران

۶ ماهه - ۱۲ قران

لوايح و اعلانات

سطری

۱ قران ۱۰ شاهی

شاهی ۶

حریده ایست فکاهی - کاریکاتور

شماره ۹

**الاعراب اشّد کفرا و نفاقا**

اسانّه ادب بمسجد اعظم اسلامی و حرم مقدس

حضرت رسول اکرم ص ع ( از طرف وهابیه )

در تمامی عالم اسلام تأثیر مهمی بخشیده و قلوب سیصد میلیون مسلمان را جریحه دار ساخته و بحرك و عاقل این فاجعه ناگوار سخت نواید نفرت و کدورت نمود .

عنكبوت . اسانّه ادب از حرب آنهم وهابی - قوم

وحشی و ودی - ممکن است ! ولی متمجبانه حامل اولین مهمات تازه سیستم اروپا ! و ... ( از کجا است ؟ )

سخن سر بسته گفتی یا حربان

خدا را زین مهما پرده پر دار

**بمن چه !**



کرمک کبان بکسره و بران بمن چه

مات هم در فقر و بریشان بمن چه

پیکانه برد نروت و سامان بمن چه

وز آتش غفلت همه سوزان بمن چه

(ابنای وطن خسته و گریان بمن چه)

هالم همه بیدار نو آلوده بخوابی

سرمستی و شیرم وطنیور و ربانی

بیاره و مجهول و گرفتار شرابی

کشتی پشکسته نو در روی حبایی

(ازمستی و بی قیدی اعیان بمن چه)

تجار اگر لوکس اروپایی خریدار

صد ضربه زند بر تن این مدت بیمار

سیم و زر ما را نهد قیمت و معیار

آسوده بود مرد که جاهل و بیچار

(گر خود کنی این صومعه و بران بمن چه)

در شکل بی آدم و بل چون حیوانیم

هر شام و سحر در بی آذوقه و نانیم

چون طبل و دهلی صاحب آواز و بیالیپ

در خانه خود شیر ز و بر زیاییم

(محکوم اجانب شده هر آن بمن چه)

بالفظ و سخن سینه زن و نجبراییم

که مرتجع و سوسهال و گه کارگراییم

اشرافی و دهقانی و هر صرحه گراییم

رنگین پهر رنگ و ز حق بی خبراییم

(چون بوقلمون کسوه الوان بمن چه)

ابن ملک مریدخانه و ماها همه با درد

بیکاره و بی‌صنعت و بی‌مکتب و بول‌گرد

بوجیه و بی‌عاطفه و لوده و خولسرد

نه غمکش ملت شده نه بهر وطن درد

(جولاهه سرابد بتو دستان امن چه)

هر صبح و مسائلاً وای نان بمن چه

جولاهه — تارتن — هنکبوت : سچل و تخلص هنکبوت  
میرزا است .

### اول فکر بعد حرف

سخندان پرورده پیر کهن — بندیشد آنکه بگوید سخن  
در شماره ۸ در نحت عنوان بنام ایرانی خلاصه  
مکتوب بکنفر ایرانی را که از مطلوبیت و بیدادرسی  
رعایای مسیحی ارومیه اظهار نموده بود درج و نظریات  
خوبش را بهمین شماره موقوف داشتیم . چون صفحات  
هنکبوت مجال مقالات مفصل را (که جای قصه گرفته و  
خوانندگان را غیر از تصدیق بهره نیست) نداده و باز  
نمیخواهیم در سکوت از کفین حقیقت حقوق شکنی کرده  
و محبت های اهالی مسلم را بهر داده و در انظار خارجی  
چنین جلوه دهد که اهالی مسلم در حق رعایای مسیحی  
از هیچگونه جور و بدی مضایقه نداشته و جان و مال و  
ناموس آنان هر آن در تضییع و تهدید است :

البته قائله ارومی فراموش شدنی نبوده و این مملکت  
وبرانه ناصد سال دیگر چهره آبادی را نخواهد دید .  
اگر چه ما مسبب اصل آن را از غم کفایت و گاردانی  
دولت وقت دانسته و به خیانت فاحش مهمانهای خوش  
ظاهر اهاله میکنیم .

و هم نبایستی هموطنان محترم مسیحی ما که از چندین صد سال  
در آغوش محبت و نعمت و آسودگی دولت نجیب ایران  
زندگانی نموده بودند غفلت کرده و آلت اجرای مقاصد  
دیگران بشوند ولی از گذشته ها کار نداریم .

ملت و دولت ایران در عوض آنچه خسارت مادی  
و معنوی و اتفاق عداوت و بدر کشتی که جای داشت  
آرزوی انتقام را بکشد . باز رعایای مسیحی خویش را با  
ملاحظه اهمیت موقع در کمال محبت و آسایش بارومی راه

داده و وسایل اطمینان و آسودگی او را فراهم آورده است  
در نجابت و محبت ایرانی همین کافی است که امروز  
قریب ۱۲ هزار نفر مسیحی را در خانه و برانه خویش جا  
داده و چنان محترمش را میدارد که گویا هیچ ساقه خونینی  
در میانه ندارند .

و این هم ناگفته نماند : ممکن است شکایت ایشان  
در مسائل قضائی از مامورین محل باشد با وجود اینکه در  
ارومیه کمیون مخصوصی از نمایندگان آنان متشکل است  
باز میتواند اظهارات و نظامات خودشان را بمقامات عالیه  
برسانند .

در آخر رادر ایرانی بفکر خود را به آخرین  
مرحمت های دولت امروزی که در حق ایشان مبذول میدارد  
متوجه نموده و انتظار نداریم که با این گونه اظهارات  
بی تصور محبت ملتی را بهر داده و در میانه نجیب  
کدورتی نمایند . (عف الله عما سلف)

### متفرقه

- تصحیح -

در موضوع قضیه مرحوم اعزاز مستخدم نظمیه آذربایجان  
در شماره ۸ اشتباهاً درج شده بود که اعزاز مقتول  
گردیده است .

در صورتیکه اعزاز بیست روز بستری و بواسطه مرض  
مطبقه فوت کرده است بهر حال نظر ما جلب توجهات وزارت  
محترم داخله بتأمین همیشه غائله آن مرحوم و باقی ماندگان  
سایر مستخدمین نظمیه و متقاعدین ایشان است .

### باید همه چیز خالص باشد

باغ شمال خالصه است و بره و میشهای رعایای خالصه  
مال قراء خالصه است

قبول کننده بره های تعارفی خالصه چون آقای خالصه  
است و قتیگه نقی بنقی رسد افاده مثبت گردید یعنی  
رحمت هوالدین شما -

کیاه و علف باغ شمال (شاهزاده) از آب و خاک و هوای

خالصه است باید کله خالصه چریده باقای . . . خالصه شیر  
و کره و سرشیر خالص بدهد .

### انحلال حقوق اعضای بلدییه

گویا بعد از انحلال بلدییه حقوق اعضا و اجزای بلدییه  
نیز منحل گردیده است .

ولی چون اغلب مستخدمین آن قابل مراعات میباشد  
در رسالیدن حقوق عقب افتاده ایشان توجیهی خواهد شد .

(رحم بر پلنگ نیز دندان)

(ستمکاری بود بر کوسفندان)

و قتیگه آدم از فقر و احتیاج بعضی اشخاص محجوب  
که ابدأ نمیتواند درد دل خود را بکسی بگوید . بشنود  
از دیک است که دلش بر کند خدایا تاجی .

بدرد مظلومان نخورده و بفریاد بی چارگان نخواهی  
رسید : مثلاً بیچاره . . . با آنهمه فقر و مسکنت

که اگر از روی انصاف تخمین کنید اقلاً دارای دو میلیون  
نقداً و ملکا من المزارع و المراتع و القنواة و غیره علاقه دارد  
و سالهای سال بود که شکسته نفسی و فغانت کرده همیشه  
خود را از مالیه تأمین مینمود و در حقیقت هم ماهی بسپصد  
تومان قانع میشد زیرا چندان خراج و بندر نبود که تو  
کوئی بفقره حمایت نموده و به عجزه ملاذ معاشی میدهد  
و یا از کبسه خویش دار التریبه و قرائنخانه و کتابخانه  
ملی و دارالعجزه تاسیس بنماید . شهاده از این بدخترچها  
نداشت حتی این بیچاره آنقدر قناعت کار است که ابدأ

سوار درشکه و اسب نمیشود که مخارج آنها را تحمیل  
کند : با اینهمه عسرت و مضیقگی که گذرانده و ماهی به  
سپصد تومان کم و کسر حقوق مالیه راضی و در موقع  
اخذ (خدا پرکت بدهد را نیز میکنند) باز بدافکاران نه  
خواستند که در مالیه تا آخر عمر مشغول دعا کوئی دولت  
ابد مدت باشد .

فصلاً که در جزو منظرین خدمت بوده است گویا  
حقوق انتظاری خدمت را می برد : شما را بخدا پسند از  
چندین سال خدمت و جانفشانی که تا توانسته بچه گریهای  
خانواده خود را نیز داخل خدمت مالیه نموده و دست

فقرای ثروت را بنان رسانده است این طور جبران میکنند  
پس آدم دره خود را بکه گوید و از که استمداد نماید  
شخصیکه ماهی بسپصد تومان حقوق عادی شد آیا انصاف  
است باو حق انتظار خدمت بدهند .

اگر چه ایشان (الله پرکت ورسین) را میکوبید  
اما باید خود آدم منصف باشد .

### اخبار داخله

#### از حاجی آقا (بلوکات ثلاثه)

تا زمانیکه مرحوم میرابراهیم حاجی آقائی زنده بود  
مکاری و مسافرین و کالسکهچی ها را بحال آزادی و خلاص  
شدن از دست جور بشمای او بوده

همین که مشارالیه در گذشت گویا برای ایشان فرجه  
حاصل شد .

خوشبختانه اینهم تصور اطل بود حالا بزرگتر از  
میرابراهیم آقا میرقام بوجود آمده و ادعای جهالمکبری را  
در سر دارد در صورتیکه آن مرحوم رسبت نداشت ولی آقا  
میرقام داخل در اداره . . . بوده و در حول و حوش اقله  
امارت خویش مامورین گذاشته مسافرین و کالسکهچی و  
مکاری را ضرب کتک در منازل خود با این آورده و بعنوان  
خرج منزل لغت و غارت میکنند :

یعنی نگذاشت که چراغ آن خانواده خاموش شود .

#### میانج

بمدهاه کیف حکام کولک و دماغ ایشان جاق است  
امورات حسب المرام در راه خود جریان یافته و هر کسی  
رزق مقسوم خود را تحصیل نموده بدعا کوئی عمر و دولت  
شما مشغول هستند قضایائی که قابل ذکر باشد هیچ  
نیست و اگر بطور مثل میکویند که خانه دو عروسکی  
بی چارو می ماند غلط است در اینجا چارو هم نمانده که  
چارو کش شود : و باز عروس منحصر بدو نیست بلکه  
شش و ده است .

مامورین در وظائف محوله بخوی ساسی هستند که  
شب و روز مشغول ایجاد وسایل پیشرفت کار میباشند و  
در نتیجه تشبثت مالا بطاقت ایشان است که وسیله عجبی در

فقیر مولا، تماشا کن!

مجلس تجارست تجارتی و محترم بزرگ دریاغ صالح یوسف آقا (ق) (نوشماره ۱۰)



تبریز طبعه سنگند کی  
۱۳۰۴



افسوس که عمل سلمه قدرت در این مجلس نمی چایان عجب بیاد میخورد!

نصرا باقر لظاق

كشف سرقت معمول داشته و آنچه را كه تا حال جماعت بنظر بی‌فیدی مهنكریست بیشتر اهمیت داده و ضرورت ترویج آن را ثابت مینماید آنها عملیات و مقام رمالان است: اطمینان داریم بعد از خواندن قضیه مدت تصمیم خواهد گرفت كه بهر ناحیه دو سه نفر رمال رسمی هم تقاضا و علاوه شود.

كشف قضیه در دارالكسالت بیاج از خانه سعیده بدر بداه خان رقص شبانه و چهی سرقت رفته و چند نفر به نهمت سرقت گرفتار و در محبس . . . حکمران قانونی میانج مجوس بودند. بعد از اعمال و استعمال قوای عقلیه و ذهنیه و معدویه و فكریه و جویته و فلکبته و غیره از كشف سرقت عاجز می‌مانند.

در نتیجه (تفكر ساعة غیر من عبادة الف سنة) از میرزا شاروق كه هم ادیب و شاعر و رمال و ندیم و هم پخته دوز و دباغ و ساعت ساز و حكیم و هم از هر جهه ذوقنون است در كشف قضیه از او استمداد میطلبند. میرزای مشارالیه فوراً امر باحضار بكدانه میبخ نعل اسب و بكدبچه فرمان داده و بعد شروع بخواندن ورد و منظر میكند. میبخ را در وسط طبقچه كوییده بر حسب معمول دو نفر نیز هر يك از يك طرف طبقچه كه آوزان است با انگشت گرفته و نام اشخاص مظنون را هم سر كشاده نوشته و يك يك در طبقه انداخته و بنام هر کسی كه طبقچه چرخید دزد همان است.

از قضا طبقچه در نام یکی از مجوسین ستمدیده و چوب خورده چرخیده و سرقت وی حتی گردید. ولی جناب حاج سید حسن آقا كه از محترمین علما است و در مجلس حضور داشته بود بدین امر راضی انگشته و مقرر میدارد كه اسامی را لوله كرده نگاه دارند كه تا جاملین طبقچه ندانند. اتفاقاً این دفعه بنام دیگری چرخیده و عمل تا تمام مانده و مجوس را به محبس عودت میدهند تا چوب و شكبچه اش تکمیل گردیده باز در مجلس دیگر شروع بعملیات رمال نمایند.

ازسواب

اوضاع متراسكم این سامان دلالت دارد به . . . و فراوانی . . . و تا اورد شدن خر آقای سید جبار از آب

گرم و مفقود الاثر شدن ۱۲ رأس كوسفند حاجی میر حسن از جحدهان و فوج محفی كاو حسن ام از بیرجید و شكستی جمبه فولادی در قصبه سراب و كثرث . . . حال پورتچی و امید خلم و جسارت اشرار و خوالین و هم قسم شدن جمی به رجیدن اوضاع عرفان در عالم و مطالبه جدی دهخدايان قالی و فرش از اهالی و صحت اصول بلدی و تجارت میوه مدیر بلدی و رضایت اهالی از نزول بلا و مصائب بشری الله اعلم بحقایق الامور (كسر)

اسم بر طبق مسمی

من اسم عمید الملك حسابی را شنیده بودم اما در حسابی بودنشان شك داشتم. همینكه در طهران اونوموبیل او طفلی را زیر خود گرفته و حسابی جوابدادند كه چون حرکت طفل از اونوموبیل بطبی بوده و ارادی وارد نشد حساب خود را دانستم: و در این روزها از روی جرابد و اخبار معلوم شد كه این شخص در حقیقت مرد حسابی است آنكه در تلگرافخانه حرکات زشت حسابی کرده و هم مقابله پنهان حسابی دیده.

و بالاخره حق و حساب خود را حسابی پرداخته است. مع التأسف آب و هوای تبریز حالا از این حسابی ها برسانده ولی بد حق و حساب بسیار بار می آورد.

اخبار خارجه

آمریک

شهر مانسزانس كه دارای ۵۹ هزار نفوس میباشد در نتیجه حریق بکلی سوخته است ولی اطلاع ندارید كه در نتیجه فقر و جهالت مملكت ایران باقایی موجودیت خود میسوزد

ترك

مصطفی كمال پاشا زوجه خویش را بملاحظه انعقاد با طرفداران خلافت طلاق مهكوبه عنكبوت ؟

تقاضای مستشار

اهالی تازه كشف قطب شمال در تکمیل نواقص اقتصادی و اجتماعی خویش تصمیم گرفته اند كه از مملكت ايران چندین نفر مستشار جلب نمایند. قسمتی از متخصصین با سابقه تبریزی را كه در عملیات نیم كزی اولین دیپلومه جامع شرایط باشد در نظر گرفته و معرفی دو نفر خباز ماهر را نیز درخواست کرده اند كه در فن خبازی از مشاهیر متقلین این حرفه باشند (نامزدین را باز مینویسیم)

تصمیم

در مجلس اكادمی عالی غفلت با كثریت ۹۹ رأی عناصر ست تصمیمی اتخاذ گردیده كه دولت ايران قدر وافوریان را ندالسته و آنان را در مضیقه انداخته است فلذا بدون فوت وقت چندین نفر از فحول ایشان را اجیر كتنند تا تریك كشی را موافق اصول ايران تعلیم داده و تهیه وسایلی و عملیات چیدن بافورم حقه و ماشه و منقل را یاد بدهند و برای ابتكار سالی چهار ملیون لیره طلا اختصاص داده اند

آخرین خبر شبی

بنا بشایعات جرابد منتشره در (جابه) بمسد از تبادل افكار در نظر گرفته اند كه دو جلب مستشار میادله كردد یعنی از طرف آنها چندین نفر دعاء خرافاتی و بد اخلاق و مهمل گو و خرابكار اعزام كردد! (در شماره بعد)

اخبار سیاسی هراکش و سوریه

از اسب قسوت اطلاع میدهد كه قرانسه ها بالینهمه شكست های فاحش باز در عقیده خود باقی بپیمت هستند كه باید هراکش و اهالی سوریه را محو و معدوم سازند. تا بلل صغیر عالم تعلیم بدهند كه دولتهای معظم اروپا چه اندازه عادل و طرفدار ضعفاء بوده و در نظر دارند تا آخرین قطره خون آنها را بمكند.

چین

چینی های نمك نشناس در نبرد با قایان خارجی خویش اشدت باقشاری کرده و نمیخواهند محكوم حاکمیت ملل بیگانه شوند. گویا این دستور از اهالی كره سرخ بانها رسیده باشد والا جنبهها بان قضایا ابدأ آشنا نبودند

فقدان نقشه خیابان جدید

از بلدیة تبریز

جرابد خارجه با يك بیچش تشنج آور مهنویسند كه در این اواخر از بلدیة تبریز نقشه خیابان جدید طهماسبی سرقت رفته و ظن قوی ایشان بنواحی خارجی است كه مرام از تحصیل آن طراحی جدید خیابانهای مملكت خارجه باشد و بنا باظهارات حسن چپ اكر آن نقشه یا حواشی خود چاپ كردد یقیناً هر نسخه صد لیره ارزش خواهد داشت:

معما

آن چیست كه مثل مواجب علمبردان خان اسم دارد رسم ندارد — ؟ یعنی در وزارت پست و تلگراف و اغلب ادارات كشوری حدود قانون استخدام غیر از حقوق تقاعدی نا كجا اجرا میگردد.

پست شهری

بامضای دوست بیفرض: مراسله شما دوستانه بود اما بعد از قدری تعمق و تفنیش رفع اشتباه خواهید نمود بامضای اظر اعمال: لازم است اول در عمل خود نظارت کرده و تصفیه کنید بعد از آن بكارهای مردم مداخله كردد.

خفته را خفته کی كند بیدار

بامضای دیوانه. در واقع اوشقه شما هم دیوانه وار بود كه درج تمپشود.

بامضای . . . (رئیس معارف خباروا و باحرارت یعنی چه اكر حرف داری واضح بنویس.

جفت

کلاه پهلویم در قفا چو دید...  
فقال قد كفر من تشبه بابيه  
اگر نو مؤمن باکی و خیر خواه وطن  
سزد کلاه تو باشد بلکه قند شیه  
دلت پر از شرارت و مغزت پر از مزخرف و وهم  
فقط لباسك معیوب اصغر و کربه

بموجر و مستاجرین روزنامه

فملاً از شرح مفصلی صرف نظر کرده تنها خیانت فاحش  
این حرکت زشت را نسبت بخسارت اداره روزنامه و معارف  
مملکت و مطبوعات و اخلاق اطفال نک فروش در نظر  
شما تعب العین میکنند

رد اشتهار

در تعقیب اشتهارات بی موضوع که عنكبوت را بمقامی  
و با شخصی متکی میداند بالصرحه مینویسیم  
عنكبوت فعلاً داخل در حزبی بوده و نه در تحت نظر  
و مساعدت کسی اداره میشود:

عنكبوت تنها بنام آزادی و خدمت بجمعه در اثر فداکاری  
و با سرمایه شخصی این جانب انتشار یافته و از هر گونه  
مساعدت و معاضدت مالی و قلمی دیگران آزاد است

و بطور واضح مدیر . سر دبیر . شاعر . منشی . مصحح  
مقتض . مخبر شهری . موزع و بالاخره تمامی امورات  
و عملیات نامه عنكبوت با خود این جانب است و بدین  
ملاحظه نمیشود کسی را به نمایندگی شهری نامه  
عنكبوت معرفی نماید  
مدیر باقر نطق

در تکمیل و وظیفه اداری

مشترکین محترم عنكبوت که با نهایت میل و رغبت  
طالب و طرفدار این محقر نامه بوده دوام و استقامت آن  
را خواهان هستند ما نیز در گوشش هستیم که ترتیبات  
دفتری روزنامه را اصلاح و در ایام معینه نشر و در موقع بمشترکین  
پرسائیم . و مخصوصاً در مقابل مساعدت های ایشان خود را

موفق میدانیم که در آتیه روزنامه ما دارای مقالات پس  
شیرین تر و باور قبهای جالب ذوق شده و قسمت تصویر هم  
عالی و رامکن باشد:

و اینهم مربوط به تکمیل مالیه روزنامه است که رفته  
رفته کثرت فروش و ازدیاد مشترکین ما را بر آن امیدوار  
میدارد:

لقب اسم و سبج

مشیر حضور  
غلامعلی حاجی  
میرزا عباسقلی بحری  
از مراغه  
میرزا محمد خان قائم مقامی  
از ساین قلعه  
علینقی افشار  
از میانج  
امین الرطایا  
(میر آقا) مشیر التجار  
رسول زاده  
(حسن الحسینی) گرم رودی

اعلان اداری

مشترکین محترم جریده عنكبوت میتوانند در ظرف  
یکسال چهار اعلان و ششماه دو اعلان که اندازه هر اعلان  
از ده سطر نکذرد در روزنامه مجاناً درج نمایند:

تعلیم فرانسه و انگلیسی

بطرز مخصوص

برای تقلیل دوره تحصیل و سهولت آن فوق العاده  
مؤثر است هر مبتدی نسبت با استعداد ذهنی خود در اندک  
مدتی میتواند استفاده محسوسی نموده باشد.

ساعات تعلیم هر روز از ساعت دوالی هشت بعد از  
ظهر و تبیین محل با خود متعلم است . (مراجعه شود در اداره  
ایالتی مالیات غیر مستقیم ۴۰ : اسمعیل و کبلی - افشار

اعلان ازبنا

آزاد سبج من است از آقایان تقاضا میکنم  
بنده را (آزاد بنایی) خطاب فرمایند

تبریز مطبعه «ایهد»



۲ مهر ماه ۱۳۰۴

عنوان: عنكبوت

جای لانه

تبریز: مهادهمین

صاحب و کارنده

باقر نطق

ارزش

سالانه - ۲۰ قران

۶ ماهه - ۱۲ قران

لوايح و اعلانات

سطری

۱ قران ۱۰ شاهی

شاهی ۶

جریده ایست فکاهی - کاریکاتور

شماره ۹۰

رجز

(گردن کلفت)



کاور کو تا به بند زور ما کردن کلفت  
بشکند پشانش ز بار جور ما کردن کلفت

جای نان این مردمان سفله! (یعنی رنجبر)  
خون دل باید خورد در... ما کردن کلفت  
سفره زنها نمی باشد اگر از نان چه بک!؟  
پر شود از خون اگر آخور ما کردن کلفت

گر شود گوش فلک - از ناله بیچارگان  
وز صدای خنده و طنبور ما کردن کلفت  
چشم گریان شمیفا را چه قدر و قیمت است!؟  
پیش چشم ترکس و غمخور ما کردن کلفت

آه مظلومان رود بر آسمان از یکطرف  
وز دگر سو دود از واقور ما کردن کلفت  
لشکر اجباری و سرازه - آهم عصر ما!!  
غافلند این مردم از ساطور ما کردن کلفت

کاور کو؟ تا به بند زور ما کردن کلفت

خدمه

آنانکه ز حال رنجبر بی خبرند  
اندر بی جمع زوت و سیم و زرد  
گویند گم ما داد رس رنجبریم  
در باطن اگر چه دشمن رنجبرند  
آنانکه نه در خیال و فکر و طاند  
با حبله و خواری وطن موی کنند

گویند که ما جمله معارفخواهیم  
ور نیک نظر کنی معارف شکند

جالب توجه آنکه حیات ایران را

میخواهد

مکلفات و آذربایجان!

مطابق اطلاعات اخیر . امیدام دولت ایران بجه نظر  
استعمال تریاک را در طهران قدغن کرده و تریاک خان  
ها را توقیف و از تریاک کشها بمانت سخت میکنند؟  
اگر علت عمده اش این است که رؤساء و اعضاء و  
اجزاء عمده دوائر دولتی کابله ابالات و ولایات منحصر  
بهر کزبان بوده و منظور از این اقدام جلوگیری سربایت  
تریاک کشی از یارده اشخاصی باشد که خدا نکرده در  
معبت رؤساء از طهران میروند زهی سعادت . اما خوشبختی